

خاطرات جیمز کومی رئیس سابق اف بی آی

# وفاداری والاتر

حقیقت، دروغ‌ها و رهبری

ترجمه مسعود میرزایی و بهجت عباسی



|                     |                                                                                         |
|---------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : گومی، جیمز بی، ۱۹۶۰ - م. B. Comey, James                                              |
| عنوان و نام پدیدآور | : وفاداری والایتر: حقیقت، دروغ ها و رهبری / جیمز گومی؛ ترجمه مسعود میرزایی، بهجت عباسی. |
| مشخصات نشر          | : تهران: جوینده، ۱۳۹۷.                                                                  |
| مشخصات ظاهری        | : ۳۵۰ ص.                                                                                |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۵۹۱-۹-۱                                                                     |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیبا                                                                                  |
| یادداشت             | : عنوان اصلی: Higher loyalty: truth, lies, and leadership, 2018.                        |
| یادداشت             | : چاپ قبلی: تهران: مهراندیش، ۱۳۹۷.                                                      |
| موضوع               | : ایالات متحده -- روابط خارجی -- خاورمیانه                                              |
| موضوع               | : United States -- Foreign relations -- Middle East                                     |
| موضوع               | : گومی، جیمز بی، ۱۹۶۰ - م.                                                              |
| موضوع               | : B. Comey, James                                                                       |
| موضوع               | : اف. بی. آی. -- کارمندان و کارکنان -- سرگذشتنامه                                       |
| موضوع               | : United States . Federal Bureau of Investigation --                                    |
| موضوع               | : Officials and employees -- Biography                                                  |
| موضوع               | : خاورمیانه -- روابط خارجی -- ایالات متحده                                              |
| موضوع               | : Middle East-- Foreign relations-- United States                                       |
| موضوع               | : ایالات متحده -- سیاست و حکومت                                                         |
| موضوع               | : United States -- Politics and government                                              |
| شناسه افزوده        | : میرزایی، مسعود، ۱۳۶۶ - مترجم                                                          |
| شناسه افزوده        | : عباسی، بهجت، ۱۳۶۶ - مترجم                                                             |
| رده بندی کنگره      | : E ۱۸۳/۸ ج۲ ک۹ ۱۳۹۷                                                                    |
| رده بندی دیویی      | : ۷۳۰.۵۶/۳۲۷                                                                            |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۵۳۱۱۳۶۵                                                                               |



## وفاداری والایتر، حقیقت، دروغ ها و رهبری

نویسنده: جیمز گومی

ترجمه: مسعود میرزایی و بهجت عباسی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۵۹۱-۹-۱

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

انتشارات جوینده: خیابان انقلاب، بین فروردین و اردیبهشت، پاساژ اندیشه

طبقه همکف واحد ۱۱ B تلفن ۶۶۴۸۷۸۳۲

قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال

## فهرست

|     |                                 |
|-----|---------------------------------|
| ۱۱  | یادداشت مترجمان                 |
| ۱۵  | یادداشت نویسنده                 |
| ۱۹  | مقدمه                           |
| ۲۳  | فصل ۱: زندگی                    |
| ۳۳  | فصل ۲: سکیلات ما                |
| ۴۹  | فصل ۳: قُری                     |
| ۶۳  | فصل ۴: معنا                     |
| ۷۷  | فصل ۵: دروغ گفتن و آب خوردن     |
| ۱۰۵ | فصل ۶: در مسیر موفقیت           |
| ۱۳۹ | فصل ۷: تایید جانبدارانه         |
| ۱۵۹ | فصل ۸: در سایه‌ی اِدگار هوور    |
| ۱۸۹ | فصل ۹: هنرِ خوب گوش دادن        |
| ۲۱۱ | فصل ۱۰: مُردن در وسط جاده       |
| ۲۴۹ | فصل ۱۱: حرف زدن یا دَم فرو بستن |
| ۲۷۷ | فصل ۱۲: برج ترامپ               |
| ۲۹۷ | فصل ۱۳: آزمون‌های وفاداری       |
| ۳۱۵ | فصل ۱۴: اَبر                    |
| ۳۴۷ | کلام آخر                        |

ظرفیت انسان در زمینه عدالت، دموکراسی را ممکن می‌کند اما گرایش او به بی‌عدالتی، دموکراسی را ضروری می‌سازد

راینهولد نیبور<sup>۱</sup>

میان دفتر مرکزی پلیس فدرال آمریکا (اف بی آی) و ساختمان کنگره (کپیتول هیل)<sup>۲</sup> در شهر واشنگتن ده بلوک ساختمانی فاصله است و به‌خاطر رفت و آمدهای کاری متعدد می‌بایست بالا رفتن از این خیابان پنسیلوانیا، تصویر همه این ساختمان‌ها در ذهنم حک شده است. وقتی با خودم از کنار ساختمان بایگانی ملی آمریکا در خیابان پنسیلوانیا - که کلماتی از نخبه‌زین - تمام قانون اساسی در سنگ جلوی آن نقش بسته است - عبور می‌کردیم، گر شکران زیادی به چشم می‌خوردند که برای تماشای اسناد آمریکا در مقابل موزه روزنامه‌داری<sup>۳</sup> صف کشیده بودند و حضور لباس فروش‌ها و خودروهای عرضه مواد غذایی نیز این محل را به چیزی شبیه محل برگزاری مراسم مذهبی تبدیل کرده بود.

فوریه سال ۲۰۱۷ بود و من در صندلی عقب یک سواری شاسی بلند سیاه و ضدگلوله که صندلی‌های وسط آن هم برداشته شده بود، نشسته بودم. من به اینکه از یک پنجره کوچک و دودی ضدگلوله، جهان بیرون را که از مقابل من می‌گذشت، تماشا کنم، عادت کرده بودم. این بار هم عازم یک جلسه محرمانه در کنگره در حالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا بودم.

ظاهر شدن در مقابل اعضای کنگره حتی در یک روز خوب هم، مشکل و دلهره‌آور بود. تقریباً هیچ یک از حاضران در جلسه بی‌طرف نبودند و به نظر می‌رسید

<sup>۱</sup> - Reinhold Niebuhr

<sup>۲</sup> - Capitol Hill

<sup>۳</sup> - Newseum

که گوش تیز کرده بودند تا فقط به آنچه که به درد بهره‌برداری تبلیغی مورد نظرشان می‌خورد، گوش فرادهند.

آنها از طریق خطاب قراردادن شما با یکدیگر جدل می‌کنند: «آقای رئیس (اف بی آی)، اگر کسی فلان مطلب را گفت، احمق نیست؟» و البته پاسخ چنین مطلبی باز با خطاب قرار دادن شما داده می‌شد: «آقای رئیس، آن کسی که گفت اگر کسی فلان مطلب را گفت، احمق است، خودش احمق واقعی نخواهد بود؟»

وقتی موضوع بحث اختلاف برانگیزترین انتخاباتی باشد که تاکنون در خاطره ما مانده است، گفت‌وگوی فوری در مورد آن حتی شیرانه‌تر هم می‌شود و تعداد اندکی مال را یا قادر خواهند بود منافع حزبی خود را کنار بگذارند و فقط بر روی حقیقت تمرکز کنند. در چنین شرایطی جمهوری خواهان می‌خواستند اطمینان حاصل کنند که روس ها دونالد ترامپ را انتخاب نکرده‌اند و دموکرات‌ها که هنوز پس از گذشت چند هفته نتایج انتخابات گپیج و منگ بودند، خلاف این را می‌خواستند. نقاط اشتراک کمی وجود داشت. وضعیت پیش آمده شبیه این بود که گویی اعضای خانواده‌ای با دستور دادگاه، مجبور شده‌اند شام روز شکرگزاری<sup>۱</sup> را با هم بخورند.

پلیس فدرال آمریکا و می‌سعدی رئیس آن، در میانه دعوی حزبی قرار گرفته بودیم و البته این واقعاً چیز جدیدی نبود. ما از آغاز ماه ژوئیه ۲۰۱۵ که همکاران با تجربه و حرفه‌ای اف بی آی تحقیقات حاکی در مورد نحوه مدیریت اطلاعات طبقه‌بندی شده در قضیه ایمیل‌های شخصی هیلاری کلینتون را آغاز کردند، به موضوع انتخابات ریاست جمهوری کشیده شده بود. در آن موقع حتی به کار بردن کلمات «جنایی» و «تحقیق» باعث جنجال‌های بی‌مورد می‌شد. یک سال بعد و در ژوئیه ۲۰۱۶ ما تحقیقی را در مورد اینکه آیا واقعاً تلاش کرده‌ایم از سوی روس‌ها برای ضربه زدن به کلینتون و کمک به انتخاب دونالد ترامپ، با هدف اعمال نفوذ در انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفته است یا نه، آغاز کردیم.

این، شرایطی ناخوشایند و البته اجتناب ناپذیر برای اف بی آی بود. اداره ما اگر چه بخشی از قوه مجریه است اما نباید در سیاست دخالت کند. مأموریت اصلی اف بی آی یافتن حقیقت است و برای انجام این کار نمی‌تواند در طرف کسی به جز خود

<sup>۱</sup> - Thanksgiving dinner

کشور بایستد. البته که اعضای اف بی آی نیز ممکن است مانند دیگران دیدگاه‌های سیاسی فردی خود را داشته باشند اما وقتی آنان در مقابل دادگاه و کنگره می‌ایستند تا درباره یافته‌های خود گزارش بدهند، نمی‌توان آنها را به چشم جمهوری‌خواه، دموکرات و یا جزیی از قبیله کسی دید. چهل سال پیش کنگره طی تصمیمی دوره تصدی ریاست اف بی آی را ده ساله کرد تا استقلال آن را تقویت کند. اما در پایتخت و کشوری که به واسطه تقابل حزبی دچار شکاف شده، جدا کردن اف بی آی از این شرایط هم عجیب و هم گیج کننده بود، به‌ویژه که مدام نیز مورد راستی آزمایی قرار می‌گرفت. این موضوع فشار زیادی را به کارمندان حرفه‌ای اف بی آی وارد می‌کرد، به خصوص نه‌انگیزه‌ها. آنها به‌طور مرتب مورد بازخواست قرار می‌گرفت.

نگاهی به «گرگ برار» رئیس جدید بخش پارلمانی اف بی آی که همراه من عازم کنگره بود، اندامم را زدی ۵۲ ساله، اهل نوادا و با موهای جوگندمی. ما گرگ را از یک شرکت حقوقی به کار گرفته زدیم. وی پیشتر دادستان ارشد فدرال در ایالت نوادا و همچنین عضو مجلس سنی بود و امور قضایی و انتظامی را می‌شناخت و با امور بسیار متفاوت و چالش برانگیز سیاسی نیز آشنا بود. کار او این بود که اف بی آی را در نشست‌های کنگره که شبیه برنامه تلویزیونی موسوم به «مخزن کوسه»<sup>۱</sup> بود، نمایندگی کند. اما برآور برای کار در چنین موغا و آشوبی که بلافاصله پس از نتایج شوک‌آور انتخابات ۲۰۱۶ بالا گرفته بود، تعهد نداده بود. بعد از زیادی از پیوستن گرگ به اف بی آی نگذشته بود و من نگران بودم که این وضعیت می‌تواند یواز کننده و پرفشار بر او چیره شود و کارش را تحت تاثیر قرار دهد. حتی با خودم فکر می‌کردم که ممکن است یک دفعه در شاسی بلند را باز کند، بیرون بپرد و سر به کوه بیابان بگذارد. من هم وقتی جوان بودم و فقط چند بار در جایگاه شهود در کنگره حضور داشته بودم، دقیقاً خودم را در چنین شرایطی حس می‌کردم. همچنان که به او نگاه می‌کردم، حدس زدم که او هم ممکن است به همان چیزی فکر کند که من فکر می‌کردم: چطور کارم به اینجا کشید؟

<sup>۱</sup> - Greg Brower

<sup>۲</sup> - Shark Tank

من می‌توانستم نگرانی را در چهره براور ببینم و به همین خاطر سکوت را شکستم. با صدایی بم که بدون تردید توجه مامورانی را که در صندلی جلو نشسته بودند نیز جلب کرد، گفتم: «چقدر عالی، نه؟»

براور فقط نگاهی به من کرد.

گفتم: «غرق در نجاستیم»

حالا دیگر براور گیج و متعجب شده بود. آیا رئیس اف بی آی همین الان گفت

«جاسد؟»

آره گفتم.

در حالی که لحنی مصنوعی و اغراق آمیز بر صورتم نقش بسته بود و با دست‌هایم عمق اجعه‌ها را نشان می‌دادم، اضافه کردم: «ما تا خرخره در نجاست فرو رفته‌ایم. دوست داشتیم به جز اینجا، کجا بودی؟»، این را پرسیدم و بریده بریده سخنرانی روز کریسپین مقدس را از شناسایی زمزمه کردم: «مردمی که امشب در انگلیس به خواب رفته‌اند، آرزو خواهند کرد که کاس اینجا بودند.»

او خندید و به‌طور جدی شاد و سبکبال شد. من هم شاد شدم. هرچند مطمئنم که فکر بیرون پریدن از روی در حال حرکت، هنوز هم از ذهن گرگ می‌گذشت، البته تنش کم شده بود. با هم نفسی کشیدیم، برای یک لحظه گویی ما دو نفر در جاده‌ای در حال سفر بودیم. همه چیز درست می‌شود.

پس از لحظاتی به کنگره ایالات متحده رفتیم تا درباره پوتین، ترامپ و اتهامات مربوط به تبانی، پرونده‌های محرمانه و اینکه چه کسی چه چیز بیشتری می‌داند، صحبت کنیم. این هم یکی دیگر از لحظات پرفشار و یکی از دیوانه‌کننده‌ترین، مهم‌ترین و حتی عبرت‌آموزترین دوره‌های زندگی من و حتی به اعتقاد برخی در حیات کشور بود.

و باز هم خودم را در شرایطی یافتیم که به همان سوال فکر کنم: «واقعاً چرا کارم

به اینجا کشید؟»